

همکاری اقتصادی در منطقه: یک دیدگاه سیاسی

عبدالقادر بهارچیچک^۱

ترجمه علیرضا سنجابی

تعداد زیادی از مفسران چنین اظهار نظر کرده‌اند که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یک محیط سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای به وجود آمده است که در بردارنده درگیری‌ها و فرصتهایی برای ترکیه است و به این کشور اجازه می‌دهد نقش مؤثرتری در قفقاز و آسیای مرکزی ایفا نماید. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث تسریع منازعات زیادی در زمینه‌های اقلیتهای قومی، اختلافات مرزی، منافع اقتصادی، جنگ‌افزارهای هسته‌ای، و نیروی زمینی و دریایی شوروی گردیده است. واضح است که ترکیه و دیگر قدرتهای منطقه نمی‌توانند نسبت به اکثر این مسائل بی‌تفاوت باشند، در حقیقت امکان روبه‌افزایشی وجود دارد که ترکیه در بعضی از منازعات قومی منطقه درگیری نظامی پیدا کند. منازعه میان ارمنستان و آذربایجان بر سر ناگورنو - قره‌باغ و منازعه میان روسیه و اوکراین بر سر ناوگان کریمه و دریای سیاه فقط دو نمونه از این منازعات می‌باشند.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌طور غیرقابل انکاری فرصتهای جدیدی برای ترکیه خلق نموده است. این فروپاشی اجازه داد که جمهوری‌های ترک‌نشین استقلال خود را به دست آورند که به نوبه خود این شانس را به ترکیه می‌دهد که نقش بزرگتری ایفا نماید و تأثیر سیاسی و اقتصادی جدیدش را معمول دارد. اهمیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی ترکیه به سبب پدیدار شدن جمهوری‌های آسیای مرکزی به‌عنوان کشورهای مستقل به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزون گردیده است. تاکنون ترکیه اهمیت خود را به‌واسطه تشکیل جناح جنوبی پیمان ناتو کسب کرده است. کماکان به‌رغم کاهش این عملکرد ژئوپلیتیک در زمینه رقابت ایالات متحده آمریکا و شوروی، ترکیه اکنون خودش را در محیط جدیدی یافته است که در آن از طریق بهره‌برداری از وضعیت جدید در ماورای قفقاز و آسیای مرکزی می‌تواند نقش بزرگتری ایفا نماید. در حقیقت اکنون می‌توان صحبت از یک دنیای ترک^۲ به میان آورد که ترکیه در آن به‌عنوان یک مدل مورد احترام و قابل دنباله‌روی و همچنین منبعی برای پشتیبانی همگانی در وقایع بحرانی محسوب می‌گردد.

۱. آقای عبدالقادر بهارچیچک، استاد دانشگاه ابنونو ترکیه است.

۲. مطالب عیناً ترجمه شده و منعکس‌کننده دیدگاه مؤلف است که از زاویه منافع ملی ترکیه به مسائل آسیای مرکزی و قفقاز نگریسته است. (مترجم)

در زمینه روابط روبه توسعه اقتصادی، امکانات جدیدی برای ترکیه ظاهر گردیده است و اکنون پیشگامی‌های ترکیه با هدف ایجاد یک «منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه» و روابط در حال توسعه با کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی، به‌طور عمده، از طریق سازمان همکاری اقتصادی وجود دارد.

رخدادهای تازه در آسیای مرکزی و قفقاز

اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی و تولد کشورهای مستقل، محیط تازه‌ای را به‌وجود آورده است که در بردارنده ترکیب پیچیده‌ای از فرصتها و خطرات جدی برای ترکیه می‌باشد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نه فقط از نظر پایان رویارویی شرق و غرب، بلکه به دلیل ظهور جمهوری‌های مستقل آسیای مرکزی و قفقاز نیز مهم است. همبستگی‌های نزدیک تاریخی، فرهنگی و زبانی میان ترکیه و این کشورها وجود دارد و به ترکیه این فرصت را می‌دهد که در منطقه مؤثرتر باشد^(۱) این منطقه به دلیل وسعت جغرافیایی، منابع طبیعی، ظرفیت بالقوه اقتصادی، و موقعیت استراتژیکی اش مهم می‌باشد. بویژه آسیای مرکزی از منابع معدنی و ذخیره نفتی گسترده‌ای برخوردار است.^(۲) به‌علاوه، جنگ‌افزارهای هسته‌ای و دانشمندان اتمی در قزاقستان، این منطقه را از نظر استراتژیکی برای غرب و اسرائیل بااهمیت می‌سازد.^(۳)

پیدایش کشورهای مستقل در آسیای مرکزی، ناگهانی و دوراز انتظار بود. این منطقه به مدت تقریباً دو قرن در کنترل روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی بوده است.^(۴) در دسامبر ۱۹۹۱، در گردهمایی کشورهای مشترک‌المنافع، که در آلمانا پایتخت قزاقستان برگزار گردید، استقلال و حاکمیت جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی اعلام گردید و پذیرفته شد که هر جمهوری از کنترل کامل بر سرزمین و سازمانهای اقتصادی خود برخوردار می‌باشد.^(۵) بنابراین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌طور ناگهانی، برای اولین بار پس از تقریباً یک قرن، محیطی را ایجاد نمود که این جمهوری‌ها استقلال خود را به‌دست آوردند. از آنجایی که جمهوری ترکیه برای مدتهای طولانی سیاست عدم مداخله در امور مردم ترک‌زبان آسیای مرکزی شوروی را تعقیب نموده بود، این رخدادها ناگهانی در منطقه سیاستگذاران ترکیه را دچار سردرگمی نمود.^(۶) فزونی یافتن نفوذ ترکیه در منطقه به میزان زیادی قابل پیش‌بینی می‌باشد. زیرا، بجز تاجیکها، تقریباً همه مردم مسلمان آسیای مرکزی از نظر قومی ریشه ترکی دارند. به زبان دیگر، مردم ترکیه و آسیای مرکزی، در کنار اسلام که دین مشترک آنهاست، در یک فرهنگ و زبان سهیم هستند.^(۷)

این شرایط به ترکیه این فرصت را می‌دهد که در منطقه نقش مؤثری ایفا نماید. به این

جمهوری‌ها کمک نماید تا مشکلات خود را حل کنند، و در توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی، وحدت فرهنگی و یکپارچگی عمومی در منطقه شرکت نمایند. چنین سیاست ترغیب‌کننده توسعه ثبات، سرانجام در توسعه و امنیت منطقه مؤثر خواهد بود.

اگرچه کشورهای آسیای مرکزی مستقل گردیده‌اند، ولی هنوز فرایند استقلال، کامل نگردیده است. موانع عمده باقی‌مانده را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود: ضعف اقتصادی، وابستگی نامتوازن به روسیه و به یکدیگر؛ موارد حل نشده مربوط به نیروهای مسلح و جنگ‌افزارهای هسته‌ای؛ اختلافات مرزی؛ اقلیتهای قومی و بی‌ثباتی سیاسی.^(۸)

همکاری اقتصادی در منطقه می‌تواند تأثیر مثبتی بر همگرایی سیاسی و ثبات جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی سابق داشته باشد. به‌رغم این حقیقت که آسیای مرکزی به‌طور تاریخی «ترکستان» نامیده شده، بندرت از یک اقتدار مرکزی برخوردار گردیده است. آسیای مرکزی به‌طور دقیق میان خانها، خانواده‌های حاکم تقسیم شد و این تقسیم راه را برای حاکمیت روسیه در قرن هیجدهم باز نمود. از این گذشته، منطقه تحت سلطه روسیه در سال ۱۹۲۴ به جمهوری‌های مجزا تقسیم گردید، که پیامد آن خلق ملیتهای رسمی جداگانه برای مردم منطقه شد.^(۹) کوششهای اتحاد جماهیر شوروی برای ویران ساختن هویت اسلامی منطقه و ایجاد ملیتهای مشخص میان مردمی که در حقیقت از یک اصل هستند، با موفقیت‌هایی روبه‌رو گردید، هرچند کماکان عواملی در میان مردم منطقه وجود دارد که خودشان را مسلمان و ترک می‌دانند. ایجاد پنج جمهوری در ترکستان از سوی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۴ کوششی بود برای درهم شکستن هویت اسلام در منطقه تا شناسایی ملیتهای مختلف میان ساکنین منطقه که وجود خارجی نداشتند.^(۱۰)

در نتیجه، هفتاد سال سلطه شوروی واقعاً این مفاهیم کلی را تضعیف نمود و اکنون اغلب مردم هویت‌های قومی و محلی خود را به هویت‌های اسلامی یا ترکی ترجیح می‌دهند. از این رو پیوندهای نزدیکتر اقتصادی در منطقه نسبت به مسئله هویت در این جمهوری‌ها با اهمیت‌تر است. همکاری اقتصادی همچنین می‌تواند این جمهوری‌ها را در درک استقلال خود کمک نماید. کشورهای آسیای مرکزی باید راه خود را به طرف استقلال کامل ببیمایند. بر طبق نظر بیمبرزاهایت، پژوهشگر انستیتوی تحقیقات ترکستان کلن، تنها راه‌هایی کشورهای آسیای مرکزی از فروپاشی اقتصادی و مشکلات سیاسی و اقتصادی حاضر، کسب استقلال کامل است. او می‌گوید مسکو کشورهای فقیری را از یک منطقه ثروتمند خلق نموده است.^(۱۱) از طرف دیگر، بیشتر کشورهای آسیای مرکزی با بی‌میلی، کشور بودن و استقلال را پذیرفته‌اند.^(۱۲)

برای این نظر دلایل بی‌شماری وجود دارد: از نظر اقتصادی آنها خیلی ضعیف و به

اتحادشوروی وابسته بودند. برای آنها اتحاد جماهیر شوروی تنها راه ارتباطی به بقیه جهان بود. همه آنها اختلافات مرزی و اقلیتهای قومی با یکدیگر داشتند. بالاخره، هیچ‌کدام از آنها نیروهای مسلح برای خودشان نداشتند.^(۱۳) از این رو زمینه‌های مساعدی برای این باور وجود دارد که رخدادهای اخیر در آسیای مرکزی و ماورای قفقاز میان ترکیه و ایران برای دستیابی به مناطق نفوذ در منطقه رقابت ایجاد نموده است، هرچند حکمت چتین، وزیر امور خارجه ترکیه این مسئله را تکذیب نموده است.^(۱۴) روشن است که روسیه و ایالات متحده آمریکا ترجیح می‌دهند ترکیه نقش برتری را ایفا نماید زیرا تدابیری را که این کشور به این جمهوری‌های مسلمان‌نشین پیشنهاد می‌کند برای منافع غرب و روسیه نسبت به پیشنهادهای ایران کم‌خطرتر می‌باشند. بویژه ایالات متحده آمریکا اعتقاد دارد که سیاست ترکیه در منطقه احتمالاً می‌تواند از تمایلات پان‌اسلامیسم و طرفدار ایران جلوگیری کند.^(۱۵) واضح است که ایران می‌خواهد این جمهوری‌ها راه اسلام‌گرایی را که نفوذ این کشور در منطقه را افزایش می‌دهد دنبال نمایند. ایران مزیت‌هایی دارد، مانند تجدید حیات اسلام میان توده‌های آسیای مرکزی و موقعیت جغرافیایی مناسب خود.^(۱۶)

تصمیم این جمهوری‌های مسلمان‌نشین در ترجیح دادن الگوی ترکی نسبت به الگوی ایرانی ابتداً به واسطه رقابت میان ترکیه و ایران معین شده است. عامل کلیدی این حقیقت است که به نظر من اصول ترکیه جذابتر از چیزی است که ایران پیشنهاد می‌کند. احساس اسلام‌گرایی در منطقه بالا نیست زیرا، در نتیجه سلطه کمونیسم دوره شوروی، بیشتر نخبگان حاکم این کشورها اعتقادات قومی - مذهبی ندارند، و نخبگان حاکم در حقیقت افرادی معتقد به جدایی دین از سیاست و غرب‌گرا هستند. بنابراین هیچ‌گونه حرکت قوی اسلامی در هیچ‌کدام از جمهوری‌ها وجود ندارد و به این خاطر است که فکر می‌کنم آنها الگوی ترکی را ترجیح دهند.

از طرف دیگر، نشانه‌های قابل ملاحظه متضادی وجود دارند که ترکیه و ایران در منطقه بویژه، در زمینه اقتصادی اشتراک مساعی دارند. نشانه استوار این تشریک مساعی ناشی از تمایل هر دو کشور ترکیه و ایران در توسعه دادن به سازمان همکاری اقتصادی (اگر) و تفاهم در مورد بعضی پروژه‌های مهم است که بعداً مورد بحث قرار خواهند گرفت. روشن است که این چنین همکاری میان آنها به نفع کلیه طرفها ذی‌نفع خواهد بود. ترکیه و ایران علاقه به اعمال نفوذ مشترک بر جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد جماهیر شوروی سابق دارند. این علاقه در برقراری ثبات در منطقه سهم خواهد داشت، زیرا در ایجاد اعتماد متقابل میان آنها مؤثر خواهد بود. اما این احتمال باقی می‌ماند که درجه‌ای از رقابت میان ایران و ترکیه در مورد نفوذ بر جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد جماهیر شوروی سابق وجود داشته باشد.

ساختار سیاسی شوروی مانع دیگری است که هنوز در منطقه حکمفرما می‌باشند. (۱۷)

آریف یونوسف، یکی از اعضای رهبری گروه سوسیال دموکرات آذربایجان در این زمینه می‌گوید: «این یک خیال باطل است که فکر می‌کنیم کمونیسم محو گردیده است. ساختارها وجود ندارند ولی مردم، هنوز وجود دارند». (۱۸) این خطر وجود دارد که اصلاحاتی که هدف انتقال سیستم اقتصادی کهنه به اقتصاد بازار را دارند با مبارزه طلبی و رویارویی نیروهای سیاسی مواجه شوند، نیروهایی که سعی خواهند کرد اصلاحات را به جهت مخالف سوق دهند. (۱۹)

لازم است به خاطر داشته باشیم که اغلب نخبگان حاکم در منطقه کماکان کمونیستهای سابق هستند و بنابراین ممکن است با راه‌حلهای بازار آزاد ترکیه مخالفت ورزند. بی‌ثباتی سیاسی عمومی در منطقه مانع دیگری برای همکاری اقتصادی است. برای مثال، حکومت مطلب اف در آذربایجان به وسیله جبهه خلق آذربایجان سرنگون گردید، و در بهار ۱۹۹۳ ایلچی بیگ رئیس‌جمهور منتخب به وسیله حیدرعلیف سرنگون شد. در تاجیکستان وضعیت سیاسی روشن نیست. به علاوه، این جمهوری‌ها هنوز یک سیاست خارجی مستمر یا یک عقیده روشن در مورد انتخاب جهتی را که می‌خواهند پیمایند، ندارند. برای مثال، اسلام کریم‌اف، رئیس‌جمهوری ازبکستان چهار ماه بعد از تأیید «الگوی ترکی» صحبت از یک «الگوی چینی» کرده است. قزاقستان نیز با ستایش از «الگوی کره‌ای» چنین کرده است. (۲۰)

همکاری اقتصادی در منطقه

شاید زمینه‌ای که جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد جماهیر شوروی سابق نیاز به کمک ترکیه خواهند داشت مربوط به توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی باشد. به همراه بی‌ثباتی سیاسی، ضعف اقتصادی اصلی‌ترین مشکلی است که این جمهوری‌ها با آن روبه‌رو هستند. رخدادهای اخیر در منطقه این شانس را برای ترکیه فراهم آورده است که نقش خود را گسترده نماید. مهمترینکه، «منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه»، اگر از قوه به فعل درآورده شود، و «سازمان همکاری اقتصادی (اکو)»، بدیل پیوندهای این کشور با شورای اروپا می‌شود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک الگوی جدید همکاری اقتصادی و سیاسی را فراهم آورده است، که در آن ترکیه می‌تواند نقش فعال و سازنده‌ای داشته باشد. (۲۱) ممکن است سیاست سکولار ترکیه برای جمهوری‌های ترک‌نشین در خدمت غرب قرار گیرد، اما در عین حال این چنین سیاستی ممکن است به نگرش جدیدی در سیاست خارجی ترکیه، به شکل جایگزینی برای سیاست غرب‌گرایی ۷۰ سال گذشته آن منتهی گردد. (۲۲)

این مسئله به همراه بی‌میلی شورای اروپا در پذیرش عضویت ترکیه، ممکن است باعث

شود ترکیه در روابطش با کشورهای ترک‌نشین تأکید بیشتری داشته باشد. کاملاً آشکار است که حتی اگر ترکیه به عضویت شورای اروپا پذیرفته شود، این کشور آخرین مرتبه را در میان کشورهای عضو این شورا خواهد داشت. اما در میان یک اتحادیه کشورهای ترک‌زبان از مرتبه اول و نقش رهبری برخوردار خواهد شد. البته در حال حاضر اینها فقط فرصتهایی هستند و اعتبار لازم برای جایگزینی، اهمیت شورای اروپا برای ترکیه را ندارند. (۲۳)

ترکیه عقیده دارد که همکاری اقتصادی به صلح و ثبات در منطقه کمک خواهد کرد.

سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه در کنفرانس مطبوعاتی زمان نخست‌وزیری خود اظهار داشت که: «ترکیه مصمم شده است یک جو صلح و ثبات بر پایه همکاری و مسئولیت مشترک در منطقه به وجود آورد». (۲۴) ترکیه کوششهای قابل ملاحظه‌ای برای تقویت روابط اقتصادی موجود خود در منطقه معمول می‌دارد. به‌طور یقین موقعیت ژئواستراتژیک ترکیه فرصتهای زیادی را برای این کشور در این زمینه فراهم می‌آورد. (۲۵) برای مثال، ترکیه می‌تواند مرکزی باشد برای تجارت میان کشورهای بالکان با جمهوری‌های شوروی سابق و خاورمیانه. با آگاهی از این موضوع، ترکیه سعی می‌نماید از طریق ابتکار «پروژه همکاری اقتصادی دریای سیاه» در منطقه بالکان و با جمهوری‌های مسلمان‌نشین از طریق وارد نمودن آنها به اکو و روابط دوجانبه یک همکاری اقتصادی برقرار سازد. با وجود این، همکاری اقتصادی در این منطقه با موانع عمده‌ای روبه‌رو می‌باشد. اتحاد جماهیر شوروی در طول هفتاد سال سلطه استعماری آسیای مرکزی را ویران نموده و در حقیقت مورد سوءاستفاده قرار داده است و منطقه‌ای به وجود آورده که نه تنها از نظر اقتصادی ضعیف، بلکه با فاجعه اکولوژیک روبه‌رو است. (۲۶) تقریباً تمام جمهوری‌های مسلمان‌نشین هنوز از نظر اقتصادی به ساختار شوروی سابق وابسته هستند. پیوندهای اقتصادی بین منطقه‌ای اتحاد شوروی هرکدام از این جمهوری‌ها را بشدت به یکدیگر وابسته نموده است. به‌علاوه، ساختار هماهنگ‌کننده که این پیوندهای اقتصادی را تنظیم می‌کرد به‌طور کامل از میان رفته است. (۲۷)

چنین انتظار می‌رفت که کشورهای مشترک‌المنافع جایگزین سیستم قدیم گردد و به‌جای آن عمل نماید، اما تاکنون در انجام این کار ناموفق بوده است. به‌علاوه، احتیاج این کشورها به پشتیبانی تکنولوژیک آنها را وادار می‌سازد که چشم به جهان خارج داشته باشند. به‌نظر می‌رسد ترکیه اولین کشوری باشد که آنها را ارائه چنین کمکی را از آن انتظار دارند. (۲۸) اما مشخص است که ظرفیت ترکیه در کمک به این کشورها از نظر تکنولوژیکی و مالی محدود می‌باشد. با وجود این، به‌نظر می‌رسد ترکیه در زمینه همکاری اقتصادی نسبت به رخدادهای جدید بیشتر مثبت و فعال باشد. برای مثال، یک «بنیاد همکاری اقتصادی، فرهنگی، آموزش و تکنیکی» برای کمک به

کشورهای ترک‌زبان تأسیس گردیده است.

این بنیاد، همکاری اقتصادی، تجاری، تکنیکی، اجتماعی و آموزشی با کشورهای در حال توسعه را بر پایه پروژه‌های توسعه این کشورها، ارتقاء خواهد داد.^(۲۹) و کمک‌هایی را فراهم خواهد آورد تا این کشورها بتوانند «ساختار حکومتی مستقل خود را توسعه دهند، قوانین خود را تدوین نمایند، و مشکلات مربوط به بانکداری، بیمه، تجارت خارجی، بودجه و سیستم‌های مالیاتی خود را در دوره گذر به اقتصاد بازار آزاد حل نمایند».^(۳۰)

کمک ترکیه به همه کشورهای آسیای مرکزی وعده داده شده است. این کمک شامل وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری، آموزش برای دانشجویان، بانکداران و دیپلمات‌ها می‌باشد.^(۳۱) برای مثال، ترکیه تصمیم گرفته است ۲۵۰ میلیون دلار اعتبار به ازبکستان و ۷۵ میلیون دلار وام در اختیار ترکمنستان قرار دهد.^(۳۲) ترکیه اخیراً تصمیم گرفته است که ترکمنستان را در زمینه معرفی پول ملی خود و احداث خط لوله گاز که گاز ترکمنستان را از طریق ایران و ترکیه به اروپا انتقال خواهد داد کمک نماید.^(۳۳) همچنین اگزیم بانک ترکیه موافقتنامه اعطای اعتبار ۷۵ میلیون دلاری به قرقیزستان را امضا نموده است.^(۳۴) از طرف دیگر، کشورهای متعدد دیگری هم وجود دارند که در حال سرمایه‌گذاری در منطقه هستند، بویژه در قزاقستان که مساعدترین کشور از نظر منابع اقتصادی است. در کنار ترکیه، کمپانی‌هایی از فرانسه، بریتانیای کبیر، ایالات متحده آمریکا و کره جنوبی در حال توسعه فعالیت خود در منطقه می‌باشند.^(۳۵)

به‌طور مطمئن قزاقها تجربیات کره جنوبی و سنگاپور را باارزش می‌بینند.^(۳۶) همچنین اسرائیل با قزاقستان موافقتنامه‌هایی در زمینه‌های «کشت و وسیع پنبه، مکانیزه کردن مزارع و آبیاری»^(۳۷) امضا کرده است. در بلندمدت، این امکان وجود خواهد داشت که وقتی شرایط در آسیای مرکزی توسعه یابد کمک ترکیه به‌وسیله سرمایه‌گذاری کشورهایمانند ژاپن، که در حال حاضر سیاست مراقبت و انتظار را تعقیب می‌نمایند، به‌هدر داده شود.

سازمان همکاری اقتصادی - (اگو)

یک ساختار اقتصادی موجود که می‌توان آن را برای تأمین منافع همه طرف‌ها توسعه داد، سازمان همکاری اقتصادی - (اگو) است که به وسیله کشورهای ترکیه، ایران و پاکستان به وجود آمده و بعد کشورهای آسیای مرکزی به آن پیوسته‌اند. ایران همچنین ابراز امیدواری کرده است که فعالیت‌های اگو می‌تواند در تشکیل یک جامعه مشترک‌المنافع کشورهای اسلامی سهم داشته باشد.^(۳۸) اهداف این سازمان به‌مرور زمان عبارت‌اند از: حذف موانع گمرکی میان کشورهای عضو، تأسیس یک بانک سرمایه‌گذاری و توسعه، توسعه توریسم در منطقه و فعالیت در زمینه

سیستمهای مؤثر حمل و نقل و ارتباطات.^(۳۹) در این جهت گامهای استواری در جریان گردهمایی سران کشورها در عشق‌آباد برداشته شده است. در این گردهمایی موافقت شده است که همه طرفها همکاری اقتصادی و سیاسی را گسترش دهند. سند نهایی این گردهمایی که از سوی رؤسای جمهوری ایران، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و نخست‌وزیران ترکیه و پاکستان امضا شده است، گویای این اطمینان است که «پیامد گسترش و تعمیق همکاری‌های اقتصادی، تجاری، علمی، فرهنگی، تکنولوژی، و سایر زمینه‌های اجتماعی به‌ارتقاء و بهبود وضعیت جهان کمک می‌نماید».^(۴۰) در اعلامیه صادره بعد از پایان گردهمایی عشق‌آباد آمده است که همه طرفها به اهمیت تأسیس و توسعه سرویسهای هوایی، راه‌آهن و حمل و نقل دریایی اذعان دارند و موافقت می‌نمایند که برای این منظورها پروژه‌های دوجانبه و چندجانبه را به‌اجرا گذارند. این اعلامیه همچنین پیشنهاد کرد پروژه‌های جدیدی در زمینه خطوط لوله انتقال نفت و گاز، استخراج نفت، ساختن پالایشگاهها به اجرا گذارده شوند.^(۴۱) همچنین یک سند مشابه دیگر اشاره دارد به لزوم احداث یک خط آهن ماورای آسیا و بزرگراهی که استانبول، تهران، اسلام‌آباد، عشق‌آباد، تاشکند، بیشکک و آلماتا را به هم متصل نمایند. همچنین تصمیم گرفته شد که «طراحی و احداث یک خط لوله انتقال گاز به منظور انتقال گاز طبیعی ترکمنستان به ایران، ترکیه و کشورهای اروپایی معمول گردد».^(۴۲) نخست‌وزیر ترکیه پروژه‌های راه‌آهن و بزرگ راه را به‌عنوان تجدیدحیات جاده تاریخی ابریشم تشریح کرد، و اضافه کرد که «می‌توان آنها را بار دیگر در خدمت تمدن قرار داد».^(۴۳) نورسلطان نظربایف نیز اهداف مشابهی را بیان داشته است. او یک خط لوله انتقال می‌خواهد که ۱۰ میلیون تن نفت را از طریق آذربایجان و ارمنستان به ترکیه و مدیترانه انتقال دهد. بار دیگر با توسل جستن به سابقه تاریخی، ایشان اظهارداشتند که جاده قدیم ابریشم می‌تواند به‌عنوان راه‌آهن جدید تجدیدحیات یابد.^(۴۴) بیش از اندازه خوشبینانه خواهد بود که بپنداریم این پروژه‌ها در آینده نزدیک به‌اجراء درآیند. واضح است که اغلب این پروژه‌ها بزرگ هستند و احتیاج به زمان و منابع مالی عظیم برای به‌ثمر رسیدن دارند. اما، هرکاری نقطه شروعی دارد و اغلب آنها را می‌توان در طول زمان در چارچوب اکو توسعه داد. در بلندمدت اکو می‌تواند از یک سازمان همکاری اقتصادی به اتحادیه اقتصادی و حتی سیاسی تبدیل گردد. اکو می‌تواند به چنین اتحادیه‌ای تبدیل شود و اگر چنین امری اتفاق بیافتد می‌تواند در بلندمدت در برقراری صلح و ثبات در منطقه مؤثر باشد. از این رو، ترکیه باید از تصمیماتی که به‌وسیله اکو در مورد همکاری اقتصادی و توسعه میان کشورهای عضو اتخاذ می‌نماید، پشتیبانی کند.

نتیجه

چشم‌اندازهای خوبی برای ترکیه وجود دارد که روابط نزدیکتر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با جمهوری‌های جدید اتحاد جماهیر شوروی، بویژه، با کشورهای ترک‌زبان را توسعه بخشد. چنین توسعه‌ای به‌طور طبیعی وضعیت ترکیه را در منطقه ترقی می‌دهد و در جهت منافع ملی تاکنون روابط نزدیکتر نتیجه رخدادهای غیرقابل انتظار بوده است تا انتخاباتهای سیاسی سنجیده ترکیه، و ضرورت دارد این کشور در منطقه بیشتر فعال و مؤثر باشد.

همچنین ترکیه با فرصت بزرگی روبه‌رو است که نه تنها می‌تواند همکاری سیاسی بلکه همکاری اقتصادی خود را با کشورهای مستقل ترک‌نشین و در کل منطقه ارتقاء دهد. همچنین ارتقاء و توسعه اگر به‌طور مطمئن، منافع همه طرفها را فراهم خواهد آورد و در صلح و ثبات منطقه سهیم خواهد بود. ممکن است ترکیه از نظر شورای اروپا به‌عنوان کشوری در حال توسعه ولی نه واجد شرایط عضویت در این شورا تلقی گردد، در حالی که همزمان این کشور از نظر باکو یا تاشکند می‌تواند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مدرن و پویا محسوب گردد. برای ترکیه، این فرصتی است که نباید آن را از دست بدهد؛ اما در عین حال باید آن را به دقت مورد ارزیابی قرار دهد. منطقه از ظرفیت بالقوه طبیعی و اقتصادی برخوردار است که باید به آن بها داده شود. یک سیاست تفاهم و همکاری جمعی میان قدرتهای منطقه از طریق چارچوب اکو، به‌طور مطمئن، اهداف همه طرفها را در سطح معینی فراهم خواهد آورد. همکاری اقتصادی تنها توسعه اقتصادی را ارتقاء نخواهد داد، بلکه صلح و ثبات در منطقه را نیز افزایش خواهد داد.

یادداشتها

1. SWB, SU/1309, A1/4, 20 February 1992.
2. For the economic potential and natural reserves of the Central Asia see; Hayit, Bugunki Turkistanin Bazi Problemleri', pp.262-63.
3. SWB, SU/1308, B/6, 19 February 1992, Robert O.Freedman, Israel and the Successor States of the Soviet Union: A Preliminary Analysis, *Mediterranean Quarterly*, Vol.4, No.2, 1993, p.83.
4. James Rupert, Dateline Tashkent: Post-Soviet Central Asia, *Foreign Policy*, No.87, Summer 1992, p.175.
5. Martha Brill Olcott, Central Asia's Catapult to Independence, *Foreign Affairs*, Vol.71, Summer 1992, p.108.
6. Patrick Moore, Islamic Aspects of the Yugoslav Crisis, *RFE/RL Research Report*, Vol. No.28, 10 June 1992, p.40.
7. Rupert. Dateline Tashkent, p.178.

8. For example, Some headlines which will be given below show how the western World concern and interest in the situation: Tomorrow Empires, *The Economist*, 21 September 1991, p.13; Central Asia finds a brother in Turkey, *The Independent*, 21 December 1991; Turkey: Star of Islam (Survey), *The Economist*, 14 December 1991; Turkey and Iran play out new «Great game» in Asia, *The Christian Science Monitor*, May 15-21, 1991; Turkey discover new role in former Soviet Central Asia, *Financial Times*, 11 February 1992; Davos'ta Buyuk Turk Zirvesi (Great Turkish Summit in Davos), *Sabah*, 3 February 1992.

۹. برای مثال، بعضی از تیترهای ارائه شده در زیر نشان می دهد جهان غرب چه علاقه و نفعی در این وضعیت دارد: «امپراتوری فردا» اکونومیست، ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱، ص ۱۳؛ «آسیای مرکزی در ترکیه مرز پیدا می کند»، ایندپندنس، ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱؛ «ترکیه و ایران»، یازی بزرگ» جدیدی را در آسیایه نمایش می گذارند، کریستین ساینز مانیور، مه ۱۵-۲۱، ۱۹۹۱؛ «ترکیه نقش جدیدی در آسیای مرکزی شوروی سابق پیدامی کند»، فایننشال تایمز، ۱۱ فوریه ۱۹۹۲؛ «کنفرانس بزرگ سران ترک در داووس»، صبا، ۳ فوریه ۱۹۹۲.

10. Paul Dibb, *The Soviet Union: The Incomplete Superpower*, Second Edition, Macmillan, London, 1988, p.45.
11. Hayit, *Bugunki Turkistanin Bazi Problemleri*, p.263.
12. Olcott, *Central Asia's Catapult*, p.109.
13. *Ibid.*, p.111; Rupert, *Dateline Tashkent*, p.183.
14. SWB, Su/1318, A4/1, 2 March 1992.
15. SWB, Su/1318, A4/1, 2 March 1992.
16. *The Christian Science Monitor*, May 15-21, 1991.
17. HOPF, *Managing Soviet Disintegration*, p.45.
18. *The guardian*, 22 May 1992.
19. Yuri Matsev, *Toward a Post- Communist Economy*, *Problems of Communism*, Vol.39, Jaunary-April 1992, p.113.
20. Olcott, *Central Asia's Catapult*, pp.126-28. For the forces of instability in the region see also; Uwe Halbach, *World politics and Indigenous Development in Central Asia*, *Aussen Politik*, Vol.43, No.4, 1992, pp.381-91; Abidin Bozdog, *Crisis and Democracy in Kirgizia*, *Aussen Poliük*, Vol.43, No.3, 1992, pp.277-86.
21. RAIS, *Afghanistan and Regional Security*, p.89.
22. *The Economist* (Survey), p.5.
23. Unal Cevikoz, *European Integration and New Regional Cooperation Initiative*, *NATO Review*, No.3, June 1992, p.25.
24. *Newspost*, 9 April 1992, p.2.

25. Tansug Bleda, Black Sea Economic Cooperation Region, *Turkish Review*, Vol.5, No.23, Spring 1991, p.19.
26. Jacop Kipp, Alternative Politico-Military Futures, in *The Lost Empire-Perceptions of Soviet policy Shift in the 1990s*, edited by John Hemsley, Brassey's, London 1991, p.73.
27. Olcott, Central Asia's Catapult, p.109.
28. *Ibid.*, p.109.
29. SWB, ME/1290, A5, January 1992.
30. SWB, ME/1290, A5, January 1992.
31. SWB, ME/1290, A4/1 6 March 1992.
32. *Milliyet*, 24 April 1992.
33. SWB, SU/1318, A4/1,2 March 1992.
34. *Milliyet*, 30 April 1992.
35. Brown, Kazakhstan Since Independence, p.6.
36. *Ibid.*, p.6.
37. Freedman, Israel and the Successor States of the Soviet Union, p.85.
38. SWB, M/Wo 216, A1/4/4 February 1992.
39. *Newspost*, 3 December 1992.
40. SWB, SU/1378, C3/2, 12 May 1992.
41. SWB, SU/1378, C3/2, 12 May 1992.
42. *Ibid.*
43. SWB, SU/1372, A4/1, 5 May 1992.
44. *Newspost*, 13 August 1992, p.5.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی